



همه باید از این محرومیت نجات یابند

عباس عبدی، تحلیلگر سیاسی-اجتماعی در گفت‌وگو با جماران و در پاسخ به این سوال که «این روزها موضوع سیمکارت سفید به‌طور گسترده‌ای مطرح شده است. با پذیرش فرضی فیلترینگ چه کسانی باید از سیمکارت سفید استفاده کنند؟» گفت: «پاسخ کوتاه این است که همه باید از این محرومیت نجات یابند و استثناء ندارد. ولی در دوره روحانی وزارت ارتباطات و دولت مخالف فیلترینگ بودند؛ لذا هنگامی که فیلترینگ رخ داد کوشیدند که حداقل برخی اقشار از جمله روزنامه‌نگاران را مصون از فیلترینگ کنند. در نهایت و به‌ویژه پس از ۱۴۰۱ برای روزنامه‌ها چندین سهمیه دادند و حتی اینترنت داخل روزنامه(ADSL) نیز بدون فیلتر است. در واقع این امتیاز به روزنامه‌نگاران نبود، بلکه آنها را معاف از مجازاتی کردند که همه را باید معاف می‌کردند. ولی نکته مهم این بود که آیا به ازای این معافیت از مجازات تعهدی داده می‌شد؟ اگر بلی باید محکوم کرد و اگر نه باید خوشحال بود که حداقل بخشی از جامعه معاف از این وضع شده اند. البته و به نظر من آنان باید در برابر این وضعیت مسئولیت بپذیرند و از معافیت همه مردم دفاع کنند. اگر چنین نکرده‌اند باید پاسخگو باشند. بدابه حال کسانی که این ممنوعیت شامل حال آنان نشده و در عین حال تعهد داده‌اند که چنین ممنوعیتی را توجیه کنند. من از ابتدا با واسطه حضورم در روزنامه اعتماد شامل این ممنوعیت نشده بودم. البته وظیفه خود هم می‌دانستم که فارغ از این مسئله از آزادی رسانه و رفع فیلترینگ به عنوان یکی از چند محور اصلی نوشته‌هایم دفاع کنم. گمان هم نمی‌کنم کسی به اندازه من در این مورد نوشته باشند. از این که دیگران هم شامل ممنوعیت نشوند، اصلاً ناراحت نیستم؛ چون حق آنان است. همچنان که حق دیگرانی که دچار ممنوعیت شده‌اند این است که نباید ممنوع باشند. در هر حال بهتر است افرادی که ممنوع از این حق نشده‌اند با تمام توان از آزادی دسترسی همگان دفاع کنند.» وی در ادامه و در پاسخ به این سوال که «سیاری افراد، این دسترسی را حتی برای خبرنگاران قبیح می‌دانند. با توجه به اینکه اینترنت ابزار کار خبرنگاران است، این نظر را درست می‌دانید یا غلط؟» تصریح کرد: «برخی افراد چنین رویکردی دارند. این متأثر از نگاه کلان آنان است. برای نمونه، برخی دسترسی‌های زیاده‌تری نسبت به دیگران دارند. آیا باید به آنها بگویم دسترسی خود را قطع کنند یا از آن دسترسی‌ها استفاده عمومی کنند. شاید گمان می‌کنند که راه آمدن با چنین تبعیضی، به‌نهادینه شدن آن منجر می‌شود. اگر مخالفت این افراد می‌توانست فیلترینگ را بردارد، حرف درستی بود. ولی جالب است که بخشی از اصلی‌ترین مخالفان هم همین‌ها هستند. در هر صورت باید قدری هم همدلی کرد. سخت است که بپذیریم چرا فلانی فیلتر نیست و من هستم. ولی راه حل مقابله هر دو نفر با رفع فیلترینگ است و نه اینکه چرا او نیست و من فیلترم؟!» عبدی همچنین در پاسخ به این سوال که «ممکن است کسانی بگویند که اگر چه اینترنت ابزار کار خبرنگاران است، ولی وقتی مخاطب آنان خودش از اینترنت فیلتر شده استفاده می‌کند، استفاده آنها از اینترنت بدون فیلتر هم یک تبعیض محسوب می‌شود. نظر شما چیست؟» توضیح داد: «درست است؛ این تبعیض هست. ولی ما نباید ناراحت باشیم که دیگران حق خود را دارند. اگر زمانی که من زندان بودم آیا باید ناراحت باشم که چرا دیگرانی که مثل من هستند زندان نیستند و این تبعیض است؟ باید خوشحال باشم که حداقل دیگری آزاد است. من باید دنبال رفع زندان از خودم باشم، او هم همراهی کامل کند. این تبعیض با تبعیض و سهمیه‌کنکور فرق دارد که استفاده از این امتیاز حقی از دیگری را ضایع می‌کند. من جوانانی را می‌شناسم که حاضر به استفاده از این امتیاز به ناحق نشدند، ولی الان کسی را هم می‌شناسم که فرزندش از این امتیاز به ناحق در کنکور استفاده کرده، ولی به این حق طبیعی نداشتن فیلترینگ دیگران اعتراض کرده است.» وی همچنین درباره «آبادولت‌پزشکیان می‌تواند اصل پدیده فیلترینگ را رفع کند؟» گفت: «مسئله فیلترینگ فقط نوعی اذیت کردن مردم است و همه با قدری تلاش و زحمت و هزینه از این مانع عبور می‌کنند. این فقط باقیمانده یک بدنامی است که اتفاقاً نماد بدترین نوع ضدیت با خواست عمومی است. امپلوارم دولت این مسئله را حل کند». این تحلیلگر سیاسی در پایان تأکید کرد: «تا آنجا که می‌دانم دولت چه در زمان روحانی و چه حالا، صدرصد مخالف فیلترینگ هستند. حالا چرا نتوانسته‌اند انجام دهند ماجرای دیگری است. ولی به‌طور طبیعی کوشیده‌اند که آن را تخفیف دهند و به نظرشان یکی از این راه‌ها همین بوده است.»

بازپس گرفتن اختیارات

بررسی توصیه اخیر سید محمد خاتمی به مسعود پزشکیان



سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

«در بعضی جاها اختیار رئیس‌جمهور از اختیار یک شهروند عادی کمتر است... لوابیج دوگانه حداقل‌هایی است که باید باشد... بدون رعایت روح لوابیج، دیگر رئیس‌جمهور خیلی کاره‌ای نیست... اگر تصویب نشود، دیگر رئیس‌جمهوری آن نیست که قانون اساسی معین کرده و مردم باید بدانند که به چه رئیس‌جمهوری رأی می‌دهند و چه توقعی از او دارند.»، «باید دولت را حمایت کرد. دولتی که با مشکلات و موانع فراوان تلاش می‌کند که مردم را راضی و میهن را سربلند کند. ولی انتظار این است که دولت هم برای بازپس گرفتن حقوق و اختیارات خود و اعمال بهتر و بیشتر آنچه در اختیار دارد تلاش بیشتر، علمی‌ترو با برنامه‌ریزی سنجیده‌تر کند.»، متن اول سخنان سیدمحمد خاتمی، رهبر جریان اصلاحات است که در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ و آن زمان که در کسوت رئیس‌جمهور در کنار مجلس ششم به دنبال تبدیل به قانون‌کردن لوابیج دوقلو یعنی «تبیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور» و «اصلاح قانون انتخابات» بود، مطرح شد و متن دوم، بخشی از سخنان سیدمحمد خاتمی، رهبر جریان اصلاحات در همین روزهای اخیر است؛ روزهایی که انتقادات به دولت پزشکیان به ویژه از سوی حامیان اثرگذار در پیروزی او در انتخابات روزبه‌روز بیشتر می‌شود و تقریباً هم‌زمان با این سخنان جبهه اصلاحات به عنوان بزرگترین تشکیلات حامی پزشکیان در انتخابات ۱۴۰۳ ناامیدانه از خاتمی می‌خواهد با بازتعریف اصلاح‌طلبی رویکرد

«جامعه‌محور» را در دستورکار اصلاح‌طلبان قرار دهد. با وجود این شرایط توپخانه جریان مقابل این بار «اختیارات رئیس‌جمهوری» را بهانه حمله به خاتمی و اصلاح‌طلبان کرد و تأکید داشت که اصلاً هم اختیارات رئیس‌جمهوری کم نیست. مثلاً روزنامه کیهان در مطلبی با عنوان «سریال فرار از پاسخگویی این قسمت: «اختیار نداریم!»» به اشارات اصلاح‌طلبان و رسانه‌هایشان درباره اهمیت موضوع پرداخت و نوشت: «افزایش اختیارات» عبارت رایج در ادبیات سیاسی و مطالبه تکراری مدعیان اصلاحات برای توجیه عدم مدیریت، کم‌توانی و بی‌برنامگی این طیف در مواجهه با مسائل است که در تاریخ زیست این جناح متسلسل و در چهارچوب مطالبات و درخواست‌های آنان رویه جاری به حساب می‌آید. مدعیان اصلاحات برای فرار از پاسخگویی و توجیه عملکرد دولت مطبوع خود پس از سلسله نقدهای نمایشی نسبت به اقدامات کابینه چهاردهم، پرده از راز نقدهای هفته‌های گذشته برداشتند و با تکرار درخواست «افزایش اختیارات» به معمای خودزنی نمایشی پایان دادند؛ به عبارت دیگر باطن خودزنی هفته‌های پیشین با درخواست افزایش اختیارات مشخص شد.» البته این روزنامه حداقل متوجه منظور خاتمی در دیدارش با اعضا و مسئولان انجمن اسلامی مدرسان نشد. خاتمی دیگر مانند ۲۳ سال پیش پیگیر افزایش اختیارات رئیس‌جمهوری و تبیین قانونی برای آن نیست بلکه از دولت می‌خواهد که اختیاراتش را به عنوان شخص دوم مملکت پس بگیرد و بر جایگاهی که همین قانون موجود برای او تعریف کرده تکیه زند. تفاوت سخنان خاتمی در جایگاه رئیس‌جمهور با خاتمی به عنوان رهبر جریانی که رئیس‌جمهور را مورد خطاب قرار می‌دهد و دست به توصیه می‌زند؛ نشان از تغییراتی دارد که در ادامه نگاهی گذرا به آن خواهیم داشت.



عکس: جماران

رحیم ابوالحسنی استاد علوم سیاسی:

بازپس‌گیری قدرت رئیس‌جمهور مشروط به ساماندهی اجتماعی است

کند. منشأ دوم قدرت فرهنگ، هنجارهای اجتماعی و باورهای اجتماعی است. براساس فرهنگی که وجود دارد، عده‌ای منزلت پیدا می‌کنند و قدرت و جایگاه پیدا می‌کنند. مالکین و صاحبان هنجارها، در صورتی می‌توانند قدرت را متجلی کنند که با هم جمع شوند. یک زمانی، فتودال‌ها و زمینداران با یکدیگر همدست بودند و قدرت داشتند. بعد صاحبان صنایع و سرمایه‌صنعتی با هم تشکل پیدا کردند و تبدیل به قدرت شدند. آنچه که امروز در جامعه مهم است، وجود اجتماع است. قدرت در جمعیت وجود دارد. در جامعه ما یک زمانی رهبر کاریزما آمد و با ایدئولوژی که مطرح کرد، توانست جمع را به وجود بیاورد و با پشتیبانی توده مردم، آن قدرت رسمی را شکست دهد و صاحب قدرت رسمی شود ولی بعد از این که یک قدرت رسمی شکل گرفت عده‌ای مانع از ایجاد تشکل‌های مردمی شدند. نگذاشتند اتحادیه‌ها و احزاب شکل بگیرند. هر چه شخصیت‌های سیاسی داشتیم، در جنگ رقابت قدرت نابود شدند. بنابراین این قدرت متلاشی شد، چون این جمع‌ها متلاشی شد، ما الان

کرده بودند و ریشه قدرت هم در قانون بود. بر آن اساس، مونتسکیو در کتاب روح‌القوانین نظریه تفکیک‌قوا را نوشت. اساساً قدرت نهاده‌ای به معنی نهادهای رسمی یعنی حقوقی، ابزار است. منشأ قدرت هیچ موقع نمی‌تواند حقوق باشد. منشأ قدرت چیزی است که در جامعه وجود دارد و حقوق تبلور آن است که تجلی پیدا می‌کند. بنابراین آن زمان که بحث نهاده‌ها مطرح شد، مبانی قدرت در جامعه جایه‌جا و شیوه تولید دگرگون شد. شیوه تولید فتودالی، تبدیل به شیوه تولید صنعتی شد و منشأ قدرت، مالکیت صنعتی شد و یک جنگی بین مالکین صنعت و کشاورزی در گرفت و بالاخره صنعت به نتیجه رسید و قدرت را تقسیم‌بندی کردند. ما فکر می‌کنیم به محض اینکه حقوق تعیین شد، قدرت ایجاد می‌شود. خبر اینطور نیست. قدرت باید در جامعه تکوین پیدا کند، شکل بگیرد و بعد در حقوق تجلی پیدا کند. مبانی قدرت در جامعه در ابتدا مالکیت است. مالکیت منابع و مالکیت اقتصادی است. هر کسی در جهان مالکیت دارد، قدرت دارد و می‌تواند تلاش کند که قدرت را در حقوق و مقررات متجلی